



نگه‌ها و یادداشت‌ها

حسین بن عبدالصمد حارثی و کتاب نور الحقیقه و نور الحدیقه

• محمد کاظم رحمتی

اشاره: یکی از مشهورترین چهره‌های فقهی عصر صفویه، عالم نامور امامی، حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ ق) است. با وجود آنکه حارثی آثار چندان مهمی در حوزه فقه و حدیث تألیف نکرده است، اما وی را باید یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های فقهی عصر صفویه دانست و این به دو دلیل است. نخست انتقال میراث کهن امامیه - اعم از متون حدیثی و فقهی شیعه - به ایران از جبل عامل و دیگر تربیت شاگردان مختلف و احیای توجه به متون حدیثی و فقهی. این نوشتار علاوه بر پرداختن به این موضوعات، گزارش کوتاهی از کتاب مختصر اخلاقی حارثی به نام نور الحقیقه و نور الحدیقه دارد. این کتاب مختصر اخلاقی در حقیقت تلخیصی از کتاب ادب الدینار الدین عالم شافعی، ماوردی (متوفی ۴۵۰ ق)، است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره شاه طهماسب، زمینه را برای رشد فرهنگ شیعه آماده ساخت. فقیه متنفذ دیگری که در جبل عامل زندگی می‌کرد و هیچ‌گاه، با وجود دشواری‌های فراوان اقامت در جبل عامل، به ایران مهاجرت نکرد، فقیه نامور شیعی زین الدین بن علی عاملی (متوفی ۹۶۵ ق) مشهور به شهید ثانی است. تفاوت میان شهید ثانی و محقق کرکی، علاوه بر اختلاف در برخی آرای فقهی خاصه مسئله نماز جمعه که شهید ثانی به و خوب تعیینی و محقق کرکی به و خوب تخییری آن اعتقاد داشت، در توجه شهید ثانی به متون حدیثی است. به عبارت دیگر شهید ثانی را به دلیل توجه خاصش به متون حدیثی باید طلایه‌دار احیای حرکت اخباری‌گری در میانه حکومت صفویه دانست. این جنبه از علاقه شهید ثانی را شاگرد مهاجر وی به ایران، حسین بن عبدالصمد حارثی نیز دنبال کرده است.

حسین بن عبدالصمد حارثی

حسین بن عبدالصمد حارثی، فقیه، عالم و محدث نامور عصر صفویه، بیشتر به واسطه فرزندش، شیخ بهایی، شهرت دارد. آنچه که درباره شرح

عصر صفویه از جهاتی در تاریخ فقه و حدیث شیعه، یکی از دوران درخشان است. تشکیل دولت صفویه و اعلام تشیع به عنوان دین رسمی کشور به هر انگیزه‌ای که بود، پیامد مهمی در تاریخ تشیع ایفا کرده است. مهاجرت عالمان جبل عامل به ایران که به نحو پراکنده در همان اوایل دولت صفویه آغاز شده بود، با تشدید فشار بر مناطق شیعه‌نشین جبل عامل و دشواری‌های ناشی از سیاست‌های جدید عثمانی نسبت به اتباع شیعی خود، افزایش یافت. دوران حکومت شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) را براساس شواهد موجود باید از مهم‌ترین دوره‌های مهاجرت فقه‌های جبل عاملی به ایران دانست.^۱

مشهورترین فقیه عاملی که در اوایل دولت صفویه به ایران مهاجرت کرد و در ساختار حکومتی صفویه به کار گمارده شد، محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ ق) است. وی از متنفذترین فقه‌های عصر صفویه به شمار می‌رود که نوادگان وی در سراسر دوره صفویه، بخشی از ساختار اداری این دولت را در دست داشتند. توجه محقق کرکی بیشتر به فقه بود و خود علاوه بر تألیف آثار فقهی فراوان، شاگردانی نیز تربیت کرده بود. ثبات دولت صفویه در



نسخه لیدن OT 979 به خط حارثی، برگ ۶

نسخه خطی حارثی
 کلمه‌های حق العقل مال قدر نیز بر جمله
 لایم با سکن بر انفس الناطق لم حکمنا و انوارها
 بر الوجود الماسن معتبر. و نه ما به الوجود
 بحاجتین الازاس و الکدر علی الحدار کما لیت بر انوار
 الذي بان بسطوة شطرنج عن الصاهر والرفوع
 و قدس تطهر بر عن الولد و الشفق فمن
 بقر الله بذا تاخر من السام فخطه الطرا و تحری
 بر الريح لی طمان یحیی. لخصت هذا السند
 بر ما یسغ الا بهر و اشکره شکره استمطر
 شمسها بر و انهد الاله شهدا علی
 شامها من اتقاه الا لکن و ندیم حاجدها
 عند استراة المتلک و انهد ان محمد علی
 و رسول الله اجدله الورد علی موضعها
 الورد نشرها لکن نظما و علی ذلک العنصر

از حروف حلال فوسنیا سحر ازل و کلاما علی بهت
 عدو علی الراهی بر و سلم تسلما. مسند
 نقر انقوعا الاله یسعی الی رعد بر الی
 حسین و عبد القدر اکا رلی الحدانی عتد لته
 بقرانیه و اشکره تخنص حبان الی لمارا یس
 الدت مع و هن انرها. فداهت لشلمان مکرها
 ما یسخت ان یرفع بر قدرها. و یسخر ازوها
 و کانت هدیها نصف رجل هراده. و لم
 یسکره و کتبت بنها فی العاده. حش لاها قلها
 علی الزیاده. و یسخت ان الهدی علی بقدره
 و الا لفسر عن بقدره شکرها کما یسخر عن بقدره
 شلمانا الذی و ما فیها. قلنا
 و لکن احرث ان الورد من هدی الله ناهیه
 تسلیم عن حشر ما اطنی حشره. لعل و یسخر
 سدره لم بر سرهم و درک العذر را کما یسخر

شناخته شده از خاندان حارثی است که بیشترین شهرت وی به سبب مجموعه‌ای جنگ مانند به جا مانده از وی است که به مجموعه جیبی شهرت دارد. پدر حارثی، عبدالصمد بن محمد (متوفی ۹۳۵) نیز از عالمان به نام امامیه است. شهرت اصلی حارثی به دلیل شاگردی وی نزد فقیه نامور جبل عامل، شهید ثانی است. حارثی بخش اعظم زندگی خود را در جبل عامل به شاگردی نزد شهید ثانی به سر برد و در اغلب مسافرت‌های وی، او را همراهی کرده است. گزارش کامل از این سفرها را ابن عودی آورده است.^۲

حارثی در ۹۴۱، اجازه اجتهاد از شهید ثانی دریافت کرده است. متن کامل این اجازه، یکی از چند اجازه بسیار مشهور و مطول در میان امامیه است که در نسخه‌های خطی متعددی باقی مانده است و افندی آن را به طور کامل در بخش اجازات بحار الانوار که از ملحقات وی به این کتاب است، آورده است. تشدید فشار مقامات عثمانی بر مناطق جبل عامل، خاصه بعد از فتح مصر در زمان سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ق) و تداوم آن در ایام سلطنت سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۴ ق)، حارثی را به مهاجرت به ایران واداشت. محققان درباره تاریخ مهاجرت حارثی به ایران اختلاف

حال حارثی می‌دانیم، علاوه بر مطالب جسته و گریخته‌ای که در منابع مختلف آمده است، مطالبی است که شرح حال نگاران شیعی عصر صفویه چون افندی، اسکندر بیگ منشی و شیخ حر عاملی درباره وی آورده‌اند. از میان این مطالب، مهم‌ترین اطلاعات را افندی به نقل از کتابی در شرح حال شیخ بهایی تألیف یکی از شاگردان شیخ بهایی به نام مظفر الدین علی آورده است. از این کتاب تا به حال اطلاعی به دست نیامده و آنچه که می‌دانیم تنها چند نقل قول است که افندی نقل کرده است. شیخ حر عاملی نیز مطالبی درباره حارثی آورده که بحرانی در لؤلؤة البحرین همان مطالب را با و صف برخی از آثار شیخ حسین حارثی و مطالب شفاهی که از مشایخ خود درباره حارثی شنیده، آورده است. اسکندر بیگ منشی نیز در ضمن شرح حال شیخ بهایی اشاره‌ای نیز به شرح احوال حارثی کرده است. آنچه در منابع مفاخر درباره حارثی آمده، تلفیق این اطلاعات است و مطلب تازه‌ای نیز در میان آنها نیست.^۳

حسین بن عبدالصمد که نسب از حارث بن اعور همدانی، صحابی مشهور، می‌برد در اول محرم ۹۱۸ در خاندان مشهوری از اهل علم در جبع به دنیا آمد. نیای حارثی، محمد بن علی جیبی (متوفی ۸۷۶) نخستین فرد

از حارثی به عنوان فردی که قرائت کتاب‌های حدیثی را در ایران متداول کرد یاد کرده است (ممن جدد قراءة كتب الاحادیث ببلاد العجم؛ افندی، ج ۲، ص ۱۱۸). حارثی علاوه بر انتقال آثار حدیثی - فقهی از جبل عامل به ایران آثار مهمی در علوم حدیث تألیف کرده است. وی کتاب مهمی در درایة الحدیث به نام و وصول الاختیار الی اصول الاختیار تألیف کرده که بعد از کتاب الرعیة فی علم الدرایة شهید ثانی از مهم ترین متون درایة الحدیث تألیف شده در عصر صفویه است. همچنین وی مجموعه‌ای از چهل حدیث (الأربعون حدیثاً) تألیف کرده که یکی از نخستین متون حدیثی تألیف شده در این موضوع در عصر صفویه است. از نسخه‌های حدیثی مهمی که حارثی از جبل عامل با خود به ایران آورده، احتمالاً باید از کتب اربعه یاد کرد. نسخه‌ای از تهذیب الاحکام شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) به خط حارثی موجود است که وی آن را با شهید ثانی مقابله کرده است.^۱ همچنین افندی (ج ۲، ص ۱۱۲) برخی از آثار شیخ طوسی را به خط وی در میان آثار شهید ثانی دیده که خط حارثی بر آنها بوده است.

آثار حارثی

آثار و تألیفات حارثی در سه حوزه حدیث، فقه و اخلاق قابل تقسیم‌بندی است. از جمله می‌توان رساله‌ای در نماز جمعه با عنوان «رسالة فی صلاة الجمعة»، کتاب مختصری با عنوان العقد الحسینی یا العقد الطهماسبی، رساله‌ای با عنوان «رسالة تحفة اهل الایمان فی قبلة عراق العجم والخراسان» در نقد آرای محقق کرکی، شرح الفیه شهید اول، حاشیه‌ای بر اشاد الاذهان علامه حلی، مسألتان یا رساله فی تطهیر الخضر و البواری من النجاسة و فی کیفیة صورت سهم الامام الصاحب علیه السلام و شرح دیگری بر الفیه شهید اول و دوم همراه با اشاراتی به آرای محقق کرکی با عنوان المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الثمینیة را نام برد.

از آثار مهم حدیثی حارثی، به الاربعون حدیثاً و وصول الاختیار الی اصول الاختیار پیش از این سخن رفت.^۱ حارثی کتاب مهمی نیز در اخلاق به نام نور الحقیقه و نور الحدیقه تألیف کرده است. این کتاب را سید محمد جواد جلالی حسینی بر اساس دو نسخه کتابخانه چستریتی به خط حارثی و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به چاپ رسانده است (۴، ۱۴۰۳ ق). این کتاب در حقیقت تلخیصی از کتاب ادب الدنیا و الدین ابوالحسن علی بن محمد ماوردی (متوفی ۴۵۰ ق) است. نسخه‌های اساس چاپ کتاب نور الحقیقه، تحریر متأخر این کتاب توسط حارثی است. دلیل این امر، یاد کردن از شاه طهماسب صفوی است و مشخص است که حارثی دیباچه این کتاب را در ایران به نام شاه طهماسب تغییر داده است که البته این کار عملی

نظر دارند. تنها در سالیان اخیر با یافت شدن برخی متون کهن، خاصه کتاب الرحلة حارثی، این مطلب پاسخی در خور یافته است و اینک می‌دانیم که حارثی زمانی بین ۹۵۸-۹۶۱ ق نخست به عراق و سپس به ایران مهاجرت کرده است.^۲ حارثی بعد از مهاجرت به ایران در شهر اصفهان سکن گزید. در آن ایام، عالم نامور جبل عاملی به نام علی بن هلال منشار کرکی (متوفی ۹۸۴ ق) شیخ الاسلام این شهر بود. حارثی بعد از مدتی اقامت در اصفهان به مشهد سفر کرد و احتمالاً مدتی را نیز در آنجا ساکن بود. شهرت علمی حارثی و شاگردی وی نزد شهید ثانی موجب شد تا شاه طهماسب که از طریق منشار کرکی از حضور حارثی در ایران آگاهی یافته بود، او را به قزوین احضار کند و از او بخواهد مقام شیخ الاسلامی پایتخت صفویه را بر عهده گیرد. حارثی ظاهراً منصب شیخ الاسلامی را تا ۹۷۰ ق بر عهده داشته است. تغییر در اوضاع سیاسی ایران و احتمالاً فشار برخی عالمان بر شاه، باعث شد که شاه طهماسب علی رغم اعتراف به مقام علمی والای حارثی او را از شیخ الاسلامی پایتخت برکنار و به منصب شیخ الاسلامی مشهد منصوب کند.^۳ حارثی مدتی را در مشهد به سر برد. شیخ بهایی در آغاز الاربعون حدیثاً از خانه خود و پدرش در مشهد با عنوان دارنا در ۹۷۱ یاد کرده است. حارثی تا ۹۸۳ شیخ الاسلامی هرات را نیز بر عهده داشته است. وی در ۹۸۳ به قزوین سفر کرد و از شاه طهماسب رخصت رفتن به حج برای خود و فرزندش شیخ بهایی نمود ولی شاه طهماسب تنها با سفر او موافقت کرد. دزدگی حارثی از شاه طهماسب و دشواری‌های وی ناشی از شیخ الاسلامی میرحسین کرکی (متوفی ۱۰۰۱ ق) که میانه خوبی با حارثی نداشت، حارثی را از آمدن به ایران بازداشت. وی به بحرین رفت و در همانجا اقامت گزید. هر چند در آنجا نیز یکی از فقه‌های بحرین موجب آزردهی او شد. حارثی در هشتم ربیع الاول ۹۸۴ در ۶۵ سالگی از دنیا رفت و در قریه مصلی از توابع هجر به خاک سپرده شد. حارثی علاوه بر چند فرزند دختر، دو پسر به نام شیخ بهایی و عبدالصمد داشته است. عبدالصمد بن حسین حارثی (متوفی ۱۰۲۰ ق) در هرات قاضی و احتمالاً شیخ الاسلام بود و این مناصب در میان فرزندان وی باقی بوده و افندی در هنگام تألیف ریاض العلماء و حیاض الفضلاء از حضور اعقاب عبدالصمد در هرات سخن گفته است.^۴

تأثیرات حارثی

پیش از این گفتیم که توجه به متون حدیثی، یکی از میراث‌های شهید ثانی و مکتب وی است. حارثی نیز در این مسئله به راه شهید رفته است. این مطلب را از نسخه‌های استنساخ شده توسط خود حارثی نیز می‌توان دریافت. نظام الدین تفرشی (متوفی ۱۰۳۸ ق) مؤلف کتاب نظام الاقوال



شماره ۵۶-۵۷ (خرداد - تیر ۱۳۸۱)، ۸۲ - ۹۹؛ و دیولاجوردی اییساب، «علمای جبل عامل در دولت صفویه، نقش حاشیه‌ای یا مهاجرت و تحول اجتماعی»، حکومت اسلامی، ترجمه مصطفی فضائلی، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۷، ص ۲۰۸-۲۴۰ (بخش‌هایی از اصل مقاله در این ترجمه حذف شده است).

۲- درباره محقق کرکی ر.ک: جعفر المهاجر، ص ۱۲۱-۱۳۳؛ صفت گل ص ۱۵۰-۱۶۸؛

Andrew J. Newman, "The Myth of the clerical Migration to safavid Persia, Arab shiite opposition to Ali al-karaki and safavid shiism," *Die welt des Islam*, 33 (1993), pp. 66-112.

۳- افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۱؛ شیخ حر عاملی، امل الامل، ج ۱، ص ۷۴-۷۷؛ بحرانی، لؤلؤة البحرین، ص ۲۳-۲۸؛ اسکندربیک منشی، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶. همچنین ر.ک: جعفر المهاجر، ص ۱۴۵-۱۵۱؛ مهدی فراهانی منفرد، ص ۸۴-۸۸، ۱۵۴؛ منصور صفت گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری) (تهران، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۸-۱۷۱. آقای فراهانی در اشاره به حسین بن عبدالصمد (ص ۱۵۴) نوشته است: «خوانساری می نویسد که پس از درگذشت منشار، مقام شیخ الاسلامی اصفهان به داماد وی شیخ بهایی داده شده، ولی اسکندربیک ترکمان که سخنش به اعتبار حضور وی در متن رویدادها اهمیت بیشتری دارد، معتقد است که پس از شیخ علی منشار، پدر شیخ بهایی، حسین بن عبدالصمد، به این مقام منصوب شد...». چند اشکال بر این مطالب وارد است. نخست آنکه حسین بن عبدالصمد در محرم ۹۸۴ در گذشته در حالی که شیخ علی بن هلال منشار در سیزدهم ربیع الاول ۹۸۴ و بعد از وفات حارثی در گذشته است. اسکندربیک ترکمان نیز تا ۱۰۰۱ به دربار نپیوسته و دو بخش اول کتاب خود را نیز در ۱۰۲۵، سال‌ها بعد از رخ دادن حوادث مذکور تألیف کرده است. اشاره اسکندربیک به شیخ الاسلامی حارثی نیز برخلاف استنباط آقای فراهانی است. برای تفصیل مطالب ر.ک:

Devin J. Stewart, "A Biographical Notice on Baha al-Din al-Amili (d. 1030/1621)", *Journal of the American Oriental Society*, 113.3 (1991), pp. 563-571.

آقای صفت گل نیز بحث مبسوطی درباره حارثی آورده است و در تمام موارد از حارثی به عزالدین حسینی یاد کرده که درست نیست. چند اشکال

رایج بوده است. نسخه‌ای دیگر از این کتاب به خط حارثی در کتابخانه لیدن (or. 979) باقی است.

این نسخه، دیباچه‌ای دارد که در متن فعلی موجود نیست. این دیباچه دلالت دارد که حارثی این کتاب را در سفر به استانبول تلخیص کرده است و احتمالاً غرض وی از این کار نشان دادن توان علمی خود جهت اخذ اجازه تدریس در یکی از مدارس جبل عامل از باب عالی بوده است، امری که میان عالمان متداول بوده است. متن این دیباچه را دون استوارت به چاپ رسانده است.^۱

پی‌نوشت‌ها:

۱- موضوع مهاجرت فقهای عاملی به ایران و ابعاد مختلف این موضوع، پژوهش‌های چندی را به دنبال داشته است که مهم‌ترین آنها فهرست وار چنین است:

Albert Hourani, "From Jabal Amil to Persia", *BSOAS*, 1986, pp. 133-140; Andrew J. Newman, *The Myth of the clerical Migration to safavid Iran: Arab shii Opposition to Ali al-karaki and safavid shiism*, *Die welt des Islams*, 33 (1993), pp. 66-112;

Devin J. Stewart, "Notes on the Migration of Amili Scholars to safavid Iran", *Journal of Near Eastern Studies*, 55 (1996), pp. 81-103;

Rula Jurdi Abisaab, "The ulama of Jabl Amil in Safavid Iran, 1501-1136: marginality migration and social change", *Iranian Studies*, 27 (1995), pp. 103-122.

جعفر المهاجر، الهجرة العاملیة الی ایران فی العصر الصفوی: اسبابها تاریخیة و نتائجها الثقافیة و السیاسیة (بیروت: دارالروضة ۱۴۱۰/۱۹۸۹).

مهدی فراهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷). از مقاله‌های فوق‌الذکر انگلیسی (شماره‌های ۳۰، ۴) به فارسی نیز ترجمه شده است. مشخصات کتاب شناختی این آثار چنین است:

آلبرت حورانی، «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران»، کیهان فرهنگی، ترجمه مرتضی اسعدی، سال سوم، شماره ۸، آبان ۱۳۶۵، ص ۱۳-۱۶؛ دون. جی. استوارت، «نکاتی درباره مهاجرت فقهای عاملی به ایران در عهد صفویه»، کتاب ماه دین، ترجمه محمد کاظم رحمتی،

